

تحویل سال  
سینمای ایران

خسرو دهقان

۱) جشنواره فیلم فجر از اوایل دهه ۶۰ به همت فارابی متولد شد. در واقع فارابی سینمای ایران را پس از چند سال فترت سر و شکل داد و از پلاتکلیفی و گیجی سال‌های اولیه پیروزی انقلاب نجات داد. یکی از کارهای مهم فارابی، راه‌اندازی جشنواره فجر بود که از آن روزها در اوایل دهه ۶۰ تا امروز که چهل و دومین دور‌اش در حال برگزاری است، شاهد برپایی‌اش هستیم. جشنواره فجر به آبخش تقسیم می‌شود. بخش بین‌المللی و بخش داخلی. اولی قرار است محلی برای نمایش فیلم‌های خارجی باشد و دومی به فیلم‌های ایرانی اختصاص دارد. همیشه هم این بحث وجود داشته که این دو بخش کنار هم برگزار شوند یا جداگانه.

۲) کاری که جشنواره فجر می‌کند یک طور رقم‌زدن نوزده سینمای ایران است. یک‌طور آغاز و پایان. یعنی با جشنواره فجر یک سال سینمای ایران سپری می‌شود و به انتها می‌رسد. پایان سالی که فیلم‌هایش به نمایش درآمده و نقد و بررسی شده و تماشاگر به تماشايشان نشست و جشنواره فجر زمین‌های فراهم می‌کند برای سال آینده. به تعبیری جشنواره نوزده سینمای ایران است. ۱۲۹ اسفند است. سینمای ایران سالی را پشت سر گذاشته و با شروع جشنواره، همه چیز برای سال جدید سینمایی کلید می‌خورد.

۳) در سال‌های قبل از انقلاب هم ما جشنواره‌هایی داشتیم که مهم‌ترینش جشنواره فیلم تهران بود و کنارش جشنواره‌های کودک و رشد هم بودند. ولی واقعیتش این است که در ۴ دهه اخیر، جشنواره نه در اینجا که در سطح جهانی رنگ و بوی دیگری یافته است. اگر برگردیم به قبل از انقلاب با تعداد انگشتان ۲ دستمان می‌توانیم جشنواره‌ها را بشماریم. کن و ونیز و برلین و مسکو و لوکارنو و سن سباستین. احتمالاً از ششمی به هفتمی به مشکل می‌خوریم و به‌سختی می‌توانیم خودمان را به ۱۰ تا جشنواره برسانیم.

۴) جشنواره فجر همچنان به حیانتش ادامه می‌دهد. فراز و فرودهایی داشته که به‌نظر خیلی مهم و اساسی نبوده و جشنواره معمولاً بر یک مدار حرکت کرده و گذران کرده تا امروز و فردا.

محمودکلاری از بزرگان فیلمبرداری سینمای ایران  
باسومین ساخته بلند سینمایی‌اش به جشنواره فجر آمده استاز ابر و آفتاب تا  
تابستان همان سال

ناهدید پیشور

۱) از نسلی که از اوایل دهه ۶۰، به تدبیر بنیاد سینمایی فارابی، وارد عرصه سینمای حرفه‌ای شدند و پشت دوربین فیلمبرداری ایستادند، محمود کلاری شاخص‌تر از بقیه همکارانش شد و در نیمه‌دوم این دهه، نامش با آثار مهم‌ترین کارگردان‌های سینمای ایران عجین شد. بنیاد فارابی با هدف ارتقای سطح کیفی سینمای ایران و به روایتی برای تغییر نسل، گروهی فیلمبردار تازه‌نفس را وارد عرصه کرد و به شکل جالب توجهی به ترکیب‌های دوفره در فیلم‌ها علاقه نشان داد. به این ترتیب زوج‌های فیلمبرداری چون توجرح منصور، محمود کلاری و حسین جعفریان، فرهاد صبا تشکیل و پشت دوربین رفتند. ظاهراً ابتدا قرار بود کلاری عکاس فیلمی باشد که جعفری جوزانی برای بنیاد فارابی می‌ساخت و عکاسی حرفه و دغدغه‌ها از نوجوانی بود: «۱۵ یا ۱۶ ساله بودم که درگیر عکاسی شدم، به شدت به آن علاقه‌مند شدم و همه عکس‌هایم را خودم چاپ می‌کردم. یک اتاق کوچک در خانه‌مان داشتیم که من به تاریخانه تبدیلش کرده بودم و همانجا عکس‌هایم را ظاهر و چاپ می‌کردم. مراحل چاپ عکس‌ها در آن اتاق و زیر آن نور برای من مثل جادو بود. ۲۰ ساله بودم که همسایه‌مان کامبیز درمبخش من را به کاوه گلستان معرفی کرد. آن زمان گلستان دبیر عکس یکی از روزنامه‌ها بود. وقتی عکس‌هایم را دید، آنها را به دقت بررسی کرد و چند تا را انتخاب کرد. بعد برایم توضیح داد چرا عکس‌هایی که انتخاب کرده از بقیه جالب‌تر هستند. به همین سادگی معنی مفهوم و تفکر در هنر عکاسی را به من معرفی کرد. موضوع انقلاب نقش بسیار مهمی در کارنامه کاری من داشت. در بحبوحه انقلاب عکس‌های فراوانی گرفتم، هم‌زمان داشتم برای یک آژانس عکاسی کار می‌کردم. به‌عنوان عکاس خبری ۴ سال برای آژانس سیگما کار کردم و عکس‌هایم در مجلات بسیاری از نقاط جهان منتشر شد.» با این پیشینه کلاری وارد سینما شد و در حالی که سابقه دستکاری فیلمبرداری نداشت. پشت دوربین ایستاد و قاب بست. در فیلم «جاده‌های سرد» (مسعود جعفری جوزانی، ۱۳۶۴) توجرح منصور مدیر فیلمبرداری بود و محمود کلاری فیلمبردار.

۲) سال ۱۳۶۵ وقتی مسعود کیمیایی در تارک سکناس فینال «تیغ و ابریشم» بود، برای فیلمبرداری صحنه انفجار پمپ‌بنزین نیاز به چند دوربین و فیلمبردار، داشت. پس از اینکه مهرداد فخمی در میانه‌های کار کنار رفته بود، حسن قلی‌زاده جایش را به‌عنوان مدیر فیلمبرداری گرفته بود. مدیر فیلمبرداری‌ای که صحنه‌های پر تنش «تیغ و ابریشم» را روی نگاتیو ثبت می‌کرد در سکناس پایانی چند فیلمبردار کمکی را کنار خود دید که یکی از آنها محمود کلاری بود. کلاری برای گرفتن یکی از صحنه‌های هلی‌شات فیلم، با کیمیایی داخل هلی‌کوپتر رفت و تعدادی از نماهای سکناس پایانی فیلم را فیلمبرداری کرد. کلاری بعدها به‌خاطر آورد که در روز گز فیلمبرداری «قیصر» کیمیایی جوان را سرصحنه دیده بود و البته همان زمان هم بیشتر جذب مازیار پرتو و دوربین آریفلسک قدیمی‌اش شده بود: «زمانی که من در مقطع دبیرستان تحصیل می‌کردم، یک روز در راه برگشت گروه فیلمبرداری آقای کیمیایی را برای فیلمبرداری فیلم «قیصر» دیدم و چند سال بعد من با کیمیایی برای انتخاب لوکیشن به همان محله و همان نقطه رفتم.» دقیقاً ۲۰ سال بعد از «قیصر»، محمود کلاری فیلم «سرب» را برای کیمیایی فیلمبرداری کرد. فیلمبرداری «سرب» سیمرغ بلورین هفتمین جشنواره فیلم فجر را برای کلاری به همراه داشت و پس از آن او با بزرگانی چون داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی و علی حاتمی همکاری کرد. از اواخر دهه ۶۰، کلاری جزو بزرگان فیلمبرداری سینمای ایران بود. در طول ۴ دهه محمود کلاری با چند نسل از بهترین کارگردان‌های سینمای ایران کار کرد و از «مادر» و «گروهیان» تا «ای ایران» و «جدایی نادر از سیمین» تصاویری به یادماندنی ثبت کرد که در تارک تاریخ سینمای ایران

۳

می‌درخشند. «در نمای آخر فیلمی که در یکی از روستاهای شمال کشور فیلمبرداری می‌شود، قرار است مرگ پیرمردی که شخصیت اول فیلم است، همراه با پایین آمدن یک فرشته از بالای درخت فیلمبرداری شود. برخلاف دیگر فصل‌های فیلم که در هوایی ابری فیلمبرداری شده‌اند، این صحنه باید در هوایی آفتابی گرفته شود. گروه آماده فیلمبرداری است، اما آسمان تا چند روز صاف نمی‌شود. در حالی که همه افراد گروه منتظر کنار رفتن ابرها هستند تا آخرین صحنه هم تمام شود، در تهران برای پیرمرد پیام می‌رسد که همسرش بیمار شده و حالش وخیم است. پیرمرد که نمی‌تواند منتظر آفتاب و فیلمبرداری نمای آخر بماند، به‌تنهایی راهی تهران می‌شود.» این بخشی از خلاصه داستان فیلم «ابر و آفتاب» نخستین ساخته بلند سینمایی محمود کلاری است. کلاری سال ۱۷۵ این فیلم را کارگردانی کرد و از همان فیلم اولش نشان داد که سلیقه و نگاه خاصی به سینما دارد؛ نگاهی متفاوت با فیلم‌هایی که به‌عنوان مدیر فیلمبرداری در آنها حضور یافته بود. «ابر و آفتاب» که امیر پایور و محمدرضا شریفی‌نیا بازیگران اصلی‌اش بودند در چندین جشنواره بین‌المللی حاضر شد و جوایزی هم گرفت.

۴

«ابر و آفتاب» در جشنواره مارلر پلاتای آرژانتین برگزیده شد و جایزه‌ای نقدی دریافت کرد که در واقع سرمایه فیلم بعدی کلاری بود. با این سرمایه و تهیه‌کنندگی مؤسسه هدایت‌فیلم و باطرحی از عباس کیارستمی دست به کار ساخت «رقص بارویا» شد. داستان فیلم تا حدودی شبیه ماجرای خود کلاری است که در آرژانتین برنده این جایزه شد و اتفاق‌هایی که برای کارگردان در آرژانتین افتاده است. محمدرضا فروتن، امیر پایور و وحی‌رامینز نقش‌های اصلی فیلم را بازی می‌کردند. فیلمی که سرنوشت عجیبی یافت. ظاهراً مشکل فنی‌ای که برای صدای فیلم رخ داد باعث شد «رقص بارویا» هرگز رنگ پرده را به‌خود نیندازد. در ۸۴ کلاری در گفت‌وگویی ابراز امیدواری کرد که مشکل فیلم حل شود: «بخشی از مسائل فنی برای آماده‌سازی نهایی فیلم را به‌وسیله دستگاهی که در عروج فیلم موجود است انجام خواهیم داد و تقریباً مشکل حل شده و نیازی به امکانات خارج از کشور نیست. بنابراین با آماده‌سازی نهایی امیدواریم فیلم به جشنواره برسد.» «رقص بارویا» اما نه به جشنواره بیست‌وچهارم فجر رسید و نه به جشنواره‌های سال‌های بعد. فیلمی که به شکلی عجیب در مرحله فنی متوقف ماند و کارگردانش هم به فعالیت به‌عنوان مدیر فیلمبرداری ادامه داد.

۵

۲۳ سال پس از فیلم نافرجام «رقص بارویا»، خبر رسید که محمود کلاری سومین فیلمش را با نام «تابستان همان سال» کارگردانی می‌کند. فیلمی با بازی مه‌رمان مدیری که حالا به بخش مسابقه چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر راه یافته است. این فیلم با نام «همچون در یک آینه» پروانه ساخت گرفت که تداعی‌کننده فیلم معروف اینگمار برگمان بود. ظاهراً شباهت‌های فیلم به یکی از داستان‌های ناصر تقوایی باعث شد، کلاری نام فیلمش را به مجموعه داستانی که تقوایی در دهه ۴۰ منتشر کرد تغییر دهد. به این ترتیب سومین ساخته محمود کلاری، «تابستان همان سال» نام گرفت. فیلم ماجرای پسرپچه‌ای را روایت می‌کند که موقع آینه‌بینی برای یافتن طلاهای گمشده عمه‌اش با ماجراهایی عجیب و غیرمنتظره مواجه می‌شود. نقش آینه‌بین را مه‌رمان مدیری بازی کرده که یکی از کنجکاوی‌برانگیزترین نکات «تابستان همان سال» است. آنچه واضح به‌نظر می‌رسد حال و هوای متفاوت فیلم و فضای شخصی و هنری‌اش است. حال و هوایی برخاسته از علائق و سلاقی سینمایی خاص محمود کلاری. چیزی که او در گفت‌وگویی درباره‌اش چنین گفته است: «سینمایی که من دوست دارم به‌عنوان فیلمساز کمی متفاوت است. من ژانرهای متفاوت سینما را می‌بینم و با بخش‌های مختلف شکل ساختاری ارتباط برقرار می‌کنم. آن سینمایی را که من دنبال می‌کنم در ساختار و بزه قرار می‌گیرد. نمی‌توانم به‌خودم دروغ بگویم و خودم را سرکار بگذارم.» با این تفصیلات باید آماده تماشا‌شای یکی از متفاوت‌ترین فیلم‌های حاضر در جشنواره امسال باشیم؛ فیلمی با امضای خاص محمود کلاری.

